خلاصه کتاب موج سوم

گردآورنده عصمت نجفی دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی

مقدمه

کتاب موج سوم اثری از نویسنده مشهور الوین تافلر است که درسال 1980به چاپ رسیده است یعنی 35 سال پیش دقیقا بلافاصله بعد از انقلاب ایران همانطور که می دانیم انقلاب صنعتی شکل گرفته درغرب،بعد از جنگ جهانی دوم، در اوج اقتدار است،نظام صنعتی اوکه زاییده قرنها تلاش دانشمندان ومتفکران در دوره رنسانس(یا عصرروشنگری)بود به ثمرنشست وبا اختراع ماشین بخار به انقلاب صنعتی گردید.

قبل از انقلاب صنعتی،نظام اقتصادی وتولیدی دنیا مبتنی برنظام های سنتی به ویژه کشاورزی بود که با به وجود آمدن آتش ، انقلاب کشاورزی(موج اول) شکل گرفت. در این نظام عمدتا تولید برای مصرف وبعضا تولید برای فروش بوده است، مالکان به عنوان فئودال از رعیت تاسرحد امکان کار می کشیدند، تغییر جهت از نظام کشاورزی(موج اول)به دنیای صنعت یا عصر مدرنیسم(موج دوم)با تغییرنقش بازیگران همراه شد، در واقع مالکان زمین و فئودال ها نقش خود را به بورژوا، سرمایه دار وکارخانه دار شهری تغییر دادند و پس از انقلاب صنعتی، انقلاب الکترونیک(موج سوم) شکل گرفت.

این کتاب بیانگر روایتی است در مراحل گذار از سنت موج اول به مدرنیسم به پست(پسا)مدرن. که نویسنده سعی کرده است ویژگی های هر عصررا در قالب ساختار های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی روانی بیان نماید،

موج اول، هزاران سال مسلط برشرایط زندگی و زیستی جامعه بوده است ولی در موج دوم، در فاصله ی زمانی حدودا 300سال به طول انجامیده است وموج سوم به سرعت هرچه تمام تر به دنبال پی ریزی دنیایی جدید در بستر زمان در مکانی فشرده به منصه ظهور رسیده است.

ویژگی های موج اول:

1-بدوی-(قبیله ای)بعضا کوچ نشین

 2-متمدن-(یکجانشین)که بر روی زمین کار می کردند

طبقات اجتماعی موج اول دارای کاست،(رعیت( کارگر)،رزم آوران، اشراف و روحانیون و از نظر سیاسی ساخت قدرت، استبدادی است

 از نظراقتصادی، اقتصادی نا متمرکز(معشیتی،خودمصرفی)وجود داشته است که البته استثناتی هم وجود داشته.

ورود اروپاییان به ویژه انگلیسی ها به سرزمین آمریکا تقابل بین دوگروه موج اول را موجب گردید و در واقع این پدیده یک درگیری درونی در موج اول است.

در اواخر قرن 19 منازعاتی بین دوگروه شمال وجنوب،( شمال نماینده صنعت وجنوب به عنوان موج اول)در گرفت که در نهایت منجر به پیروزی نیروی شمال و رای به صنعتی شدن آمریکا در تقابل با موج اول داده شد.

انقلاب اکتبر1917روسیه نیزتقابلی بین موج اول ودوم به شمار می آید.

انرژی: موج اول موج دوم

 عضلانی-فیزیکی زغال-گاز-نفت و انرژی های تجدیدناپذیر

 آب وخورشید وگرمای درختان قطع شده

زندگی اجتماعی: در موج اول به صورت خانواده چند نسلی،عمه، عمو، با پدر ومادر همراه پدربزرگ و مادر بزرگ، در زیر یک سقف درقالب یک واحد تولیدی به شمار می آمدند.در صورتیکه در موج دوم افراد یک خانواده یک واحد تولیدی نبودند. به طوری که معلم، بچه را تربیت می کند، خانه سالمند مواظب سالمند است، در نتیجه خانه کوچک وکوچکتر می شود. همچنین مدارس در موج دوم وظیفه ی تربیت نیروی کارخانه را بر عهده دارد.

مالکیت: در موج اول فردی یا خانوادگی است به عبارتی وحدت مدیریت و مالکیت وجود دارد اما در موج دوم جدایی مدیریت و مالکیت را داریم. در موج دوم عمدتا به صورت شرکت سهامی است که این به جهت جلوگیری از ورشکستگی و ساقط شدن از زندگی است. در موج دوم حتی هنر نیزبه صورت کالایی تجاری درآمد به طوری که برگذاری کنسرت ها وگالری ها موجب کسب درآمد وتجاری سازی هنر گردید.

تبادل اطلاعات:در موج اول تبادل اطلاعات به صورت شفاهی وسینه به سینه وجابه جایی اخبار در قالب مکانیسم های ساده بود اما در موج دوم به علت تولید انبوه،اطلاعات انبوه نیز همراه آن بود که جابه جایی وانتقال آن در قالب مکانیسم های ساده ممکن نبود بنابراین منجر به اختراع اداره پست،تلگراف،تلفن گردید،همچنین رسانه های مکتوب و رادیوو تلویزیون با تبادر اطلاعات در اذهان عمومی یک فضای اطلاعاتی در داخل جامعه در جهت بهره برداری از اذهان عمومی در راستای مصرف انبوه ایجاد کردند.

عرضه وتقاضا: در موج اول تولید اندک و تولید ومصرف به عهده ی کشاورز بود، بنابراین وی هم مصرف کننده و هم تولیدکننده بود در صورتیکه در موج دوم تولید انبوه که به واسطه آن تولید از مصرف جدا گشته که این امر منجر به ایجاد بازار و شکل گیری شبکه های مالی گردیده است و به تبع ان استخدام در موج اول ارثی و در موج دوم بر اساس پذیرش اصل شایستگی است. در موج سوم با بیکاری رو به افزایش رو به رو هستیم.

مرد و زن: در موج اول مرد مقتدر در بیرون از خانه وزن در درون خانواده نقش تربیت فرزندان را برعهده دارد بر این اساس در اوایل موج دوم زنان را افرادی ذهنیت گرا ومردان را عینیت گرا نامیدند. ادامه روند موج دوم منجر به افزایش حضور زنان در جامعه و واگذاری نقش هایی به آنان شد که موجب حرکت از ذهنیت گرایی به عینیت گرایی گردید،

**از دیگر ویژگی های منحصر به فردموج دوم عبارتند از:**

1-استاندارد سازی: تولید انبوه ومشابه در قالبی خاص و استاندارد در راستای کاهش هزینه افزایش سود.

2-تخصصی کردن: در راستای افزایش بهره وری و افزایش سرعت در تولید وهمچنین اتلاف وقت کمترمنجر به واگذاری کارها به گروه های متخصص گردید.

درموج دوم نسبت کارگران به یقه سفیدها(مدیران)بسیار بالاست یعنی کارگربایستی از مدیر اطاعت کند.

3-همزمان سازی: استاندارد سازی و تخصصی کردن امور نیازمند هماهنگی بین عوامل(ماشین آلات،زمین،انسان،سرمایه و...) تولید داشت که به این همزمان سازی گویند، بنابراین نقش ساعت از اهمیت زیادی برخوردار گردید حتی در مدارس به کودگان به طور ویژه وخاص زمان را آموختند چرا که فرد متخصص در راستای تولید کالای انبوه و استاندارد نیازمند حضور متخصص دیگر در کنار خود بود.

4-تراکم: ایجاد بازارهای بزرگ ومتمرکز که ناشی از جدایی تولید ازمصرف بوده، ایجاد شیرخوارگاه جهت سرپرستی از کودکان بی سرپرست، ایجاد زندان جهت نگه داری وتأدیب بزهکاران اجتماعی، ایجاد خانه سالمندان جهت نگه داری دسته جمعی از سالخوردگان،همه، حکایت از تراکم سازی در مقیاس وسیع در موج دوم دارد.

5-بیشینه سازی: در موج دوم، تولیدی مقرون به صرفه بود، که انبوه باشد. تولید انبوه، مستلزم مصرف انبوه است لذا در راستای اصل قبل(تراکم)احداث مراکز صنعتی جهت تولید انبوه،براساس اصل صرفه جویی های ناشی از مقیاس شکل گرفت.

در موج دوم به علت پیچیدگی های ساختاراقتصادی وسیاسی واجتماعی، اداره ی ساختار به دست گروه هایی از جامعه بود، درصورتیکه در موج اول اداره کنندگان جامعه گروهی ویژه وخاص بودند که ضمن کنترل اوضاع از تقدس نیز بر خوردار بودند. در موج دوم رؤسا ومدیران وتکنسین ها به عنوان انسجام دهنده گان این جامعه به حساب می آمدند و از قانون(کار)، اتحادیه،آموزش،بهداشت و...)به عنوان موتور محرکه استفاده می کردند.در این ساختار، نخبگان(بازرگانان، مدیران) راس هرم قدرت به شمار می آمدند بنابراین اداره حکومت در این موج برخلاف منش استبدادی موج اول بر اساس انتخابات ورأی گیری است که البته تنش هایی برای به دست گرفتن زمام امور در بین دول مختلف بروز پیدا می کرد. ظهور در جنگ جهانی اول نمود قدرت بر سر کنترل جهان موج دومی است.

نتایج اقتصادی و اجتماعی از موج دوم مانند رکورد های بی سابقه،تورم،آلودگی زیست محیطی، نوسانات در قیمت انرژی، مسائل اجتماعی، بحران خانواده و...ضرورت بازنگری به آثار انقلاب صنعتی را دوچندان نمود. در این راستا کشور های توسعه یافته، انرژی تجدید شونده را جایگزین را جایگزین انرژی های فسیلی نمودند و صنایع موج دومی که عمدتا آلاینده بودند را به کشور های جهان سوم منتقل کردند و صنایع جدید را جایگزین آن کردند. بنابراین صنایع الکترومکانیکی موج دومی جای خود را به صنایع موج سومی الکترونیکی فیزیک هسته ای و ... داد از صنایع پیشرو موج سوم صنعت ژن، صنعت هوا فضا که در راستای سفر به کیهان، ایجاد شهرهای فضایی، ایجاد کارخانه جات جهت محصولات خاص در فضا بود می توان نام برد.

از علوم دیگر مورد توجه موج سوم می توان به علم اقیانوس شناسی اشاره کرد که با توجه به پتانسیل وظرفیت بالا و ناشناخته ی دریاها درتامین انرژی و موارد اولیه،جایگاه این علم روز افزون گردید.

رسانه جمعی: موج دوم برخلاف موج اول رسانه های مکتوب، بزرگ و پرتیراژاستواربود،در دهه های آخرقرن20، هر روز ازتعداد مخاطبان وتیراژروزنامه های بزرگ ویکسان موج دومی کاسته شد،به طوری که بعضی ازآنها به تعطیلی کشیده شد.

در واقع روزنامه های محلی و تخصصی با تیراژ کم عاملی برکاهش مخاطبان روزنامه های بزرگ بود.البته رشد رسانه های سمعی و بصری نیز در این میان نقش زیادی داشته است. در واقع هم رأیی عمومی شکسته شد ومطالب در موارد متفاوت،مختلف گردید.(مثلا موسیقی یکنواخت دیگر متبادر نمی شد)پس هرکس بر اساس سلیقه ی خود در دنیای اطلاعات با افراد دیگر تبادل اطلاعات می کرد.

6- محیط هوشمند:تبادل اطلاعات در بین گروه های مختلف جامعه نیازمند بستر مناسب است. این بستر با رونق کامپیوترهای شخصی ودر دسترس و شبکه های ارتباطی مرتبط فراهم آمد، در واقع انتقال وتبادل اطلاعات به وسیله ی کامپیوتر هم از سرعت بالایی برخوردار بود و هم حجم انتقال داده ها در قیاس با موج دوم بسیار بالاتر بود و در زمانی محدود اطلاعاتی وسیع به مکانی دور ارسال می گردید. در واقع در عصر اطلاعات مکان فشرده گردید وکره ی خاکی به این عظمت به دهکده ی جهانی تبدیل گردید.

کامپیوتر ها به عنوان شگفت انگیزترین وحیرت آورترین پیشرفت بشری باقی خواهند ماند، زیرا آنان قدرت مغزی ما را تقویت مرده اند. همانگونه که تکنولوژی موج دوم قدرت عضلانی مارا افزایش داد، کامپیوتر حافظه ی اجتماعی را نیز به میزان وسیع تری گسترش داد. بلکه حافظه مرده را دوباره جان بخشید(موج اول،حافظه ریش سفیدان قبایل.

موج دوم: با تمدن سواد، محدودیت حافظه را ازمیان برداشت.

تولید: تولید انبوه یکسان شده ی استاندارد موج دوم جای خود را به تولید براساس سفارش و سلیقه مشتری درمقیاسی کوچک با تنوع فراوان داد.

کاهش نیروی کار از بخش تولید وانتقال آن به بخش خدمات وبه کارگیری از تکنولوژی های نوین به جای نیروی یدی.

-دورکاری: به واسطه زیر ساخت های نرم افزاری در راستای تبادل اطلاعات.

امکان این به وجود آمد که شاغلین پاره ای از کارهای خود را در خارج ازمحل کارانجام می دادند که عمدتا این فعالیت ها در کنار خانواده صورت می پذیرد که این امر منجر به همگرایی و روابط عاطفی بین اعضای خانواده می شود. تحقیق این امر که پاره ای ازکارها درخانه صورت می پذیرد منجر به از بین رفتن عنصر همزمان سازی موج دومی می گردید. در واقع چون درموج سوم تعداد یقه سفیدها(تصمیم سازان)وکارگران بسیار به هم نزدیک گردید و هر شخص خود تصمیم ساز و عمل کننده است نیازی به همزمان سازی نیست، بنابراین به جای واژه همزمان سازی، زمان شناور مطرح گردید. باتوجه به اینکه در زمان شناورساعت کاری ثابت ومشخص نیست، حضور افراد خانواده در کنارهم بیشتر می شود و فرزند آنها شاهد این فعالیت هاست و می آموزد که بایستی کار کند، اما در کانون خانواده. همچنین شناور بودن زمان باعث کاهش حجم ترافیک وآلودگی ها گردید.

سازمان: درموج دوم سازمان ها بسیار بزرگ بودند اما در موج سوم کوچک وکوچکتر شدند. در موج دوم رأس زمان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود ولی در موج سوم بدنه سازمان نیز تصمیم سازنده است. بنابر این از اهمیت رأس آن کاسته شده است. در واقع کوچک در چارچوب بزرگ زیباست،که این تیتر به تأسی ازکتاب معروف کوچک زیباست نوشته شوماخر است.

وجود جامعه فراگیر بر بستر سیستم های اطلاعاتی و تبادل اطلاعات فراوا ن منجر به افزایش آگاهی ها گردید. در همین راستا معظلات به وجود آمده نیز فراگیر و بین المللی محسوب می شود(مانند آلودگی های زیست محیطی،کاهش ضخامت لایه های ازن،گرم شدن کره ی زمین) که غلبه براین مشکلات مستلزم تعاملی جهانی است وهیچ کشوری به تنهایی قادر به فائق آمدن برآن نیست.

خط ومشی موج دوم در راستای غلبه براثرات سوء آن(مانند فقر، فلاکت، آلودگی و...)

تقلید کشور های در حال توسعه از کشور های توسعه یافته است. زمان نشان داده است که به غیر از کشور کره و تایوان با توجه به شرایط خاص آن بقیه ی کشور های جهان به شرایط کشور های توسعه یافته دست نیافتند و فاصله بین این دو گروه افزون تر گردید در صورتی که خط مشی موج سوم جهت غلبه بر مشکلات، خط مشی به سوی موج اول است یعنی توسعه روستایی به جای مهاجرت های وسیع روستا-شهری جهت تأمین نیروی کار صنعت واصلاح الگوی اقتصادی از تولید انبوه وصادرات به خودکفایی تغییر کرده است.

ساختارسیاسی:تغییر در ساختار اقتصاد، اجتماع: تولید و تکنولوژی نمی تواند بدون تغییر در ساختارسیاسی ایجاد شود. بنابراین موج سوم با ساختار سیاسی موج دوم نمی تواند کارکند همان طورکه موج دوم با ساختارفئودالی (استبدادی)موج اول نتوانست هم سو باشد. در موج دوم رای به اکثریت 51درصدی است وحقوق 49درصد دیگر به طور شایسته احقاق نمی شود.

در موج سوم که بر انبوه زدایی در همه زمینه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی استوار است. این شیوه ی دموکراسی پاسخگو نخواهد بود بلکه بایستی با گروه های اقلیت جهت احقاق حق آنها به مذاکره ومعامله پرداخت. بنابراین در موج اول سنتی و در موج دوم بروکراسی و در موج سوم ادهوکراسی بوده است.

در واقع در دموکراسی موج سومی، دموکراسی ازنوع نیمه مستقیم است یعنی هر فرد نماینده خود است در واقع این نوع دموکراسی هم نماینده ی پارلمان دارد وهم خود نفرمی تواند اظهار نظر کند. وجود مشاوران فراوان درکنار منتخبین مردم گواه این ادعاست. در واقع با گسترش مشارکت مردم تصمیم گیری ها نیز توزیع می شود. وجود افراد و مشاورین فراوان در کنار منتخبین علاوه بر تکثردر سلیقه ها، تابعی از سرعت در تصمیم گیری نیز می باشد.

باتوجه به اینکه جامعه اطلاعاتی، سرعت انتقال داده ها در آن بالاست نسبت به هر کنشی، واکنشی سریع جهت رفع و رجوع آن می طلبد مثلا پاسخ به اظهارات مقامات آمریکا در ایران و یا بالعکس ویا مسا ئل کنونی آمریکا و روسیه، عربستان ویمن، به عنوان نتیجه گیری می توان عنوان نمود که بستر حرکت موج سوم به روی امواج اطلاعاتی و فن آوری آن استوار است و با توجه به اینکه سرعت تغییرات وتحولات در دنیای اطلاعات بسیار بالا می باشد، هم سویی با آن مستلزم داشتن جامعه یی با آگاهی و دانش بالاست، دانشی که بتواند به عنوان یک مقوله ی ذهنی به عینیت رسیده و با وجود آوردن علم، نمود دانش باشد. بنابراین درموج سوم برخلاف موج اول که نیروی فیزیکی قدرت محسوب می شود ودر موج دوم که صنعت وتولید انبوه نماد قدرت بود در این موج دانش و اطلاعات نماد قدرت است و اسسا تولید در موج اول بر پایه بازو، در موج دوم ماشین و در موج سوم مغز بوده است.

 در پایان بایستی این نکته را متذکر گردید که در حال حاضر به واسطه قرارگیری در دوران موج سوم بدین معنی نیست که همه کشور ها در این موج باشند و حتی ممکن است کشوری به علت وسعت وپراکندگی زیاد درگیر هرسه موج باشد.